

دیدگاه شیعه در تعریف عبادت

سید مصطفی هاشمی

مقدمه:

گام نخست در تحقق باور توحیدی، دانستن معنای توحید عبادی که یکی از اقسام توحید است. اندیشمندان شیعی در طول تاریخ همواره به این نکته توجه داشته اند و با تعاریف مختلف به تبیین معنای توحید عبادی پرداخته اند. اما با ظهور جریان وهابیت، تعریفی جدید از توحید عبادی ارائه شد که جز تکفیر مسلمانان و شکل‌گیری جریان‌های افراطی ثمره‌ای دیگر به همراه نداشت.

در این نوشتار ابتدا انحراف وهابیت نسبت به تعریف توحید عبادی و نتایجی که بر تعریف آنان مترتب است بیان می‌شود و سپس دیدگاه شیعه به عنوان نقد دیدگاه وهابیت تبیین خواهد شد.

تعریف توحید و عبادت از نگاه وهابیت:

محمد بن عبدالوهاب در تعریف توحید می‌نویسد: «اعلم رحمك الله أن التوحيد هو إفراد الله سبحانه بالعبادة»^[1] بدان (خدا رحمت کند تو را) که توحید به معنای یگانه دانستن خدای سبحان در عبادت است.»

این تعریف از سوی موسس وهابیت که دیگر وهابیان نیز به تبع وی آن را نقل کرده اند، همانطور که در جای خودش بیان شده،^[2] تعریفی ناقص از توحید است و تنها شامل یک قسم از اقسام توحید می‌شود. اما اشتباه وهابیان به همین جا ختم نمی‌شود و آنان عبادت را به گونه‌ای معنا می‌کنند که برخی از اعمال مسلمانان همچون استغاثه، ذبح، تبرک و غیره نیز از مصادیق عبادت به شمار می‌آید و در نهایت بر شرک بودن آن اعمال حکم می‌کنند.

به عنوان مثال ابن عثیمین از علمای وهابی می‌نویسد: «العبادة اسم جامع لكل ما يحبه الله ويرضاه من

الأقوال والأعمال الباطنة والظاهرة": [3] عبادت اسمی جامع برای اقوال و اعمال ظاهری و باطنی است که خداوند آنها را دوست دارد و به آن خشنود است». همانطور که مشاهده می شود، وی تنها «نهایت محبت» و «نهایت تواضع» را از ارکان عبادت می داند و در تعریف عبادت چیزی غیر آن شرط نمی داند. [4]

نتیجه اینکه وها بیان، در تعریف عبادت نیت خضوع و اظهار بندگی در برابر رب و اله را شرط نمی دانند و عابد به صرف اینکه در برابر کسی خضوع کند، وی را عبادت کرده است.

تعریف عبادت از منظر علمای امامیه:

با مراجعه به کلمات علمای شیعه در تعریف توحید، روشن می شود که عبادت نزد آنان به معنای اظهار عبودیت و خضوع در برابر کسی است که او را رب و سید و اله خویش می داند و با چنین نیتی است که او را عبادت می کند. در ادامه عباراتی از چند تن از علمای شیعه در تعریف عبادت بیان می شود:

شیخ طوسی در تعریف عبادت می فرماید:

«وأما العبادة فهي ضرب من الشكر لأنها غاية ليس وارهها شكر ويقترن به ضرب من الخضوع ولا يستحق العبادة إلا إذا لأنها تستحق باصول النعم من الحياة والقدرة...» [5] عبادت نهایت شکر است و بالاتر از او شکری نیست و به همراه هر عبادتی نوعی از خضوع است. کسی جز خداوند استحقاق عبادت شدن را ندارد؛ زیرا به سبب اصول نعمت ها از جمله حیات و قدرت و... استحقاق عبادت شدن در کسی یا چیزی ایجاد می شود».

مرحوم شیخ طوسی عبادت را تشکری خاضعانه در برابر معبود می داند و معلوم است که اظهار شکر و خضوع در برابر معبود به دلیل نعمت هایی است که وی به عابد خویش رسانده است و عابد نیز به خاطر آن نعمت ها، بندگی و خضوع خویش را در برابر پروردگارش اظهار می کند و با این نیت است که او را پرستش می کند.

مرحوم بلاغی در تعریف عبادت می نویسد:

«أَلَا - نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ.. و هذه الكلمة هي أن لا نخضع خضوع العبد لإلهه من حيث انه إله» [6] ترجمه: معنای این آیه "أَلَا - نَعْبُدُ إِلَّا اللَّهَ" این است که در برابر کسی غیر از خداوند

خضوع نکنیم، همانند خضوع بنده در برابر خدای خود از آن جهت که او را خدا می‌داند».

با توجه به این عبارت، روشن می‌شود که از نظر مرحوم بلاغی، هر خضوعی عبادت نامیده نمی‌شود؛ بلکه آن خضوعی عبادت است که در برابر مقام الوهیت باشد و با این نیت که اله اوست، در برابر او تعظیم می‌کند.

مرحوم علامه سید محسن امین در تعریف عبادت می‌نویسد:

«فالعبادة بمعناها اللغوي الذي هو مطلق الذل و الخضوع و الانقياد ليست شركا و لا كفرا قطعاً و الا لزم كفر الناس جميعاً من لدن آدم إلى يومنا هذا لأن العبادة بمعنى الطاعة و الخضوع لا يخلو منها أحد فيلزم كفر المملوك و الزوجة و الولد و الخادم و الأجير و الرعية و الجنود باطاعة المولى و الزوج و الأب و المخدوم و المستأجر و الملك و الأمراء و جميع الخلق لاطاعة بعضهم بعضاً بل كفر الأنبياء لاطاعتهم آباءهم و خضوعهم لهم».^[71]

ترجمه: «عبادت به معنای لغوی آن که به معنای مطلق خضوع و خاکساری و اطاعت است، شرک و کفر نیست؛ وگرنه لازم می‌آید همه انسان‌ها از اول خلقت تاکنون کافر باشند؛ زیرا هیچ‌کسی نیست که از عبادت به این معنا برکنار باشد و بر این اساس باید مملوکان، زنان، فرزندان، خادمان، اجیران، مردم و سربازان به سبب اطاعت برخی نسبت به برخی دیگر، کافر باشند. بلکه لازم است انبیاء به سبب اطاعت از پدارن خویش و خضوع در برابر آنان، به کفر مبتلا شده باشند».

از این عبارات مرحوم امین و دیگر عبارات وی به روشنی می‌توان فهمید که هر خضوعی را نمی‌توان عبادت نامید و تنها خضوعی شرک است و عبادت غیر خدا محسوب می‌شود که مورد نهی شارع باشد؛ مثل سجده در برابر غیر خدا که مورد نهی است.^[8]

علامه طباطبائی در تعریف عبادت می‌نویسد:

«فحقيقة العبادة نصب العبد نفسه في مقام الذلة والعبودية وتوجيه وجهه إلى مقام ربها».^[9] پس حقیقت عبادت عبارت است از اینکه بنده خود را در مقام ذلت و عبودیت قرار دهد و به مقام ربوبیت پروردگار خود رو کند».

در این تعریف نیز مشخص می‌شود که هر خضوعی عبادت نیست؛ بلکه خضوعی عبادت است که در برابر مقام ربوبیت انجام می‌شود.

آیت \square سبحانی در تعریف عبادت می‌نویسد:

«هی الخضوع عن اعتقاد بالوهیة المعبود و ربوبیته و استقلاله فی فعله؛^[10] عبادت خضوعی است که از سر اعتقاد به الوهیت و ربوبیت و مستقل بودن معبود انجام می‌گیرد».

این عبارت را می‌توان جامع‌ترین تعریف از عبادت دانست؛ چرا که هم به مقام الوهیت معبود که همان مقام شایستگی برای پرستش است اشاره دارد؛ هم ربوبیت معبود و علت شایسته بودن او برای پرستش را بیان می‌کند؛ هم استقلال معبود در افعالی که انجام می‌دهد را بیان می‌کند و به علت شایسته بودن او نسبت به مقام ربوبیت را تبیین می‌کند.^[11]

خلاصه اینکه با این بیان، تفاوت دیدگاه امامیه با وهابیت در تعریف عبادت روشن گردید و معلوم شد در دیدگاه علمای امامیه هر خضوعی عبادت نمی‌باشد بلکه عبادت عبارت است از خضوعی که تنها در برابر اله و رب انجام می‌شود.

نتیجه بحث:

با توجه به آنچه به عنوان دیدگاه علمای شیعه در باب تعریف عبادت بیان شد، روشن می‌شود که توسل به اولیای الهی و درخواست از آنان، هیچ منافاتی با توحید ندارد و مصداق عبادت غیر \square واقع نمی‌شود؛ زیرا درخواست کننده نه برای اولیای الهی مقام الوهیت قائل است و نه آنان را ارباب خودش می‌داند و نه به مالکیت و استقلال آنها در افعالشان باور دارد. بلکه وی اولیای الهی را ماذون از طرف خداوند می‌داند و هیچ استقلالی برای آنان معتقد نیست و در نتیجه چنین کسی حتی اگر نهایت خضوع و محبت را در برابر اولیاء انجام دهد، موجد است و درخواست وی از آنها مصداق عبادت غیر \square نمی‌تواند به حساب بیاید.

.....

[11] ابن عبدالوهاب، محمد، کشف الشبهات، ص3.

[3] ابن العثيمين، محمد بن صالح، مجموع فتاوى ورسائل، ج7، ص330.

[4] «فالعبادة مبنية على هذين الأمرين: غاية الحب، وغاية الذل»؛ همان، ج3، ص218.

[5] الشيخ الطوسي، محمد بن حسن بن علي بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، ج2، ص82 / مرحوم طبرسي
نيز در كتاب مجمع البيان همانند شيخ طوسي عبادت را معنا کرده است: مجمع البيان في تفسير القرآن
- ط مؤسسة الأعلمي للمطبوعات نويسنده : الشيخ الطبرسي، جلد : 1 صفحه : 63.

[6] بلاغى نجفى محمد جواد، آلاء الرحمن في تفسير القرآن، بنياد بعثت، قم، چاپ اول، 1420ق، ج1،
ص295.

[7] الأمين، السيد محسن، أعيان الشيعة، ج11، ص55.

[8] نک: همان، ج11، ص56.

[9] الطباطبائي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، ج18، ص388.

[10] سبحاني؛ جعفر، التوحيد و الشرك فى القرآن الكريم، ص69.

[11] قاضى زاده، حسين، توحيد عبادى در مكتب اهل بيت، ص33.

منبع: پایگاه تخصصی وها بیت پژوهی و جریانهای سلفی